ماهنامهٔ
# مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

## گزارش هیئت دبیران به هیئت اجرائیه در باره موضع حزب ما در مورد حوادث چکوسلواکی

چنانکه اعضاء هیئت اجرائیه مستحضرند در ۲۱ ماه اوت ۱۹۶۸ ارتشهای اتحاد جماهیر شوروی، لهستان، آلمان دمکراتیک، بلغارستان ومجارستان بدون نظر و رضایت نمودن عملیات تخریبی ضد انقلاب و حفظ و حراست دستاورد های سوسیالیسم وارد جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی گردیدند.

برای کسانیکه تحول اوضاع چکوسلواکی پس از ژانویه ۱۹۶۸ دقیقاً تعقیب نموده و اقدامات تخریبی عوامل ضد سوسیالیستی را با آنگرانی دنبال کرده اند، حادثه ۲۱ اوت نه تنها شگفت آور نبود بلکه بعکس بمنزله اقدامی ضروری و عملی کاملا منطقی و منطبق با اصول انقلابی بشمار آمد.

حزب ما با اینکه مبانند بسیاری از احزاب کمونیستی وکارگری جهان تصمیمی را که پلنوم ژانویه حزب کمونیست چکوسلواکی درباره بهبود شیوه رهبری وبسط دمو کراسی سوسیالیستی و اصلاح برخی مواضع نادرست

دنباله در صفحه ۲

## موج بی آرام ترور و فشار

تعقیب و بازداشت، پرونده سازی و پاپوش دوزی، حبس و تبعید، شکنجه و تیر باران، تشکیل جدائی نایذیر رژیم ضد ملی و ضد دمو کراتیک شاه است. در ۱۰ ساله پس از کودتا، روز و هفته‌ای نیست که فرمانروایان حکومت مستبد به خانه و کاشانه‌ای یورش نبرند و مردم میهن پرست را از آغوش خانواده به تاریکخانه های زندانها و شکنجه گاهها نکشند. زندانهای تهران، شیراز، اصفهان، برازجان، بندر عباس، خارك پر از میهن پرستانی است که «جرمی» جز عشق به استقلال میهن خود ندارند. در ورای دهای دروغین «ثبات و آرامش» مبارزه مردم علیه رژیم ضد ملی و مستبد شاه همچنان ادامه دارد و اگر فشار و اختناق مانع از انعکاس این مبارزه است، بگیرو ببند ها و اعدامها و تیرباران‌ها اقوی دلیل وجود این مبارزه است.

در یکسال اخیر باز داشت های تازه‌ای صورت گرفته و عده‌ای از زندانیان سیاسی و از جمله زندانیان نبودهای رفقا خاوری و حکمت، آصف و صابر و یارانشان به نقاط دور دست و بد آب و هوا تبعید شده‌اند و با آنکه رفقا خاوری و حکمت جو و معتدی شدیداً بیمار هستند، سازمان امنیت از انتقال آنان به تهران و فراهم آوردن امکانات معالجه برایشان خودداری میکند.

اشغال نظامی کردستان و یورش بیرحمانه به میهن پرستان کرد و سرانجام اعدام و تیر باران ده نفر میهن پرست کرد از جمله وحشیانه ترین اقدام رژیم در دوران اخیر بوده است. رژیم شاه به عیث کوشید تا محتوی سیاسی اعدامهای اخیر کردستان را از افکار عمومی پنهان دارد و میهن پرستانی را که جان در راه وطن باختند بدروغ «تنی چند از اشرار» معرفی کند. اما چه کسی به این دروغ بزرگ باور کرد؟ موج اعتراضی که بدنبال اعدامهای اخیر مخصوصاً درخارج از کشور بر خاست، سیمای فریبکار رژیم را بار دیگر به جهانیان نمایاند. در بیانیه‌ای که باین مناسبت از طرف حزب دمو کرات کردستان انتشار یافته است گفته میشود، «ماهمچنان دیگ خشم دشمنان آزادی در کردستان ایران بجوش آمده هفته‌ای نیست که در نقاط مختلف، عده‌ای از بهترین فرزندان خلق کرد را به اتهامات واهی سرقت مسلحانه، راهزنی و اخلال به آسایش و امنیت عمومی به محاکم دربسته فرمایشی نظامی نکشانند، به مرگ یا محکومیت های طویل المدت محکوم نمایند.»

اخیراً نیز قرار است محاکمه یك گروه ۱۶ نفری از دانشجویان به اسامی بیژن جزنی، عباس سورکی، حسن ضیاء ظریفی دکتر حشمت شهرزاد، مجید احسن، زرار زاهدیان، احمد افشار، عزیز سرمدی، فرخ نگهدار، مهندس قاسم رشیدی، کیومرث ایزدی، کوروش ایزدی، نصیری، مشعوف کلانتری، محسن جوبان‌زاده، محسن کیان‌زاده در دادگاه دربسته نظامی آغاز شود این عدد بیش ازشش ماه است که بوسیله سازمان امنیت باز داشت وبرخی از آنان شدیداً شکنجه شده‌اند. هشت نفر از این عده را از آنجهت که از طرف دادستان نظامی به «قیام علیه حکومت» متهم شده اند خطر مرگ تهدید میکند.» عده دیگری از دانشجویان دانشگاههای تهران اصفهان، تبریز، مشهد، شیراز از دانشگاه

دنباله در صفحه ۵

## نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

### خطاب به کلیه سازمانهای دمکراتیك و بهمه آزادیخواهان جهان

دوستان عزیز!

علیه جنبش دمکراتیك و میهن پرستانه مردم ایران اکنون موج جدیدی از فشار آغاز شده است. پس از دستگیری صد ها نفر دانشجویان اعضای دانشکده های مختلف و توقیف و تبعید ده ها نفر از میهن‌پرستان و آزادیخواهان دارای عقاید مختلف سیاسی (تودهای، صمدانی، روحانیون مترقی) که در ۴ ماه گذشته انجام شده است، اینك دولت ضد ملی و ضددمکراتیك ایران بمنظور ارعاب و جلوگیری از مبارزه مردم کشور ما که برای بدست آوردن حقوق خویش مبارزه می کنند دست به اتهام و کشتار های وسیعی زده است. مجاوز از ۱۲ هزار اقدام و یك لشکر از قوای ارتشی در سر تا سر ایالت کردستان بپیاله های بی‌اساسی مبادرت بتوقیف و کشتار میهن پرستان کرد نموده‌اند حتی بنا باعتراف خود دولت در فرض دو ماه اخیر ۱۰ نفر از آزادیخواهان کرد خودسرانه و بدون محاکمه در شهر های مختلف کشور اعدام شده‌اند. در زیر فهرست این اشخاص با ذکر محل اعدام آورده میشود.

| | | |
|---|---|---|
| ملا کادر لاچینی | در مهاباد | بدار آویخته‌شد |
| علی رحیمی | در خانه | تیر باران شد |
| احمد مجید | در مهاباد | بدار آویخته‌شد |
| محمد رسول | در خانه | بدار آویخته شد |
| حسین شال کوچ | در جلدیان | تیر باران شد |
| حمزه مولود | در نوشهر | بدار آویخته شد |
| یوسف حمزه | در خانه | تیرباران شد |

دنباله در صفحه ۶

## چرا شاه و فیصل و امیر کویت بهم نزدیك میشوند

خوانندگان ما مسلماً حوادث خلیج را دنبال کرده اند. در اینجا پس از تسمیم نیروهای انگلیس بخروج، سخن از پیدایش «خلاء» پیش آمد و این بحث مطرح گردید آیا چه کسی باید این خلاء را پر کند؟! روشن است صحبت «خلاء» بدین معنا که گویا امپریالیستهای انگلیس و امریکا در مرحله اول و دیگر نیروهای امپریالیستی از خلیج و منابع عظیم ثروت آن دست برداشته اند کذب محض است ولی در این گفتگو یك نکته وجود داشته و آن اینکه امپریالیستها میخواهند این باز تسلط خود را در خلیج، باقتضاء قاعده استعمار نوین، بدست نیروهای محلی مورد اعتماد خویش مستور سازند.

از آنجا که کلیدی های محتمل اجراء چنین نقش پوشش عربستان سعودی و ایران بودند بین این دو کشور رقابتی در گرفت. در آغاز بنظر میرسید که امپریالیستها، (شاید در اثر برخی نگرانی ها که در ایران پیدا کرده بودند) تکیه اساسی خود را بعربیه

دنباله در صفحه ۶

## کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری در ماه مه تشکیل خواهد شد

کمیسیون تدارکی کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری که از تاریخ ۱۸ تا ۲۱ نوامبر ۱۹۶۸ در بودابست با شرکت نمایندگان ۶۷ حزب تشکیل گردید ضمن اطلاعیه‌ای که در پایان کار های خود صادر نمود تصمیمات جلسهٔ مزبور را بشرح زیرین اعلام نمود:

۱- کمیسیون تدارکی بنا بر تصمیمی که در اجلاسیه گذشته خود (سپتامبر ۱۹۶۸) اتخاذ نموده بود مسائل مربوط بدعوت کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری و ادامهٔ اقدامات تدارکی آنرا مورد مباحثه قرار داد شرکت کنندگان جلسه پس از مذاکرات وسیع و همه جانبه باین نتیجه رسیدند که کنفرانس بین المللی برای ماه مه ۱۹۶۹ در مسکو تشکیل گردد و دستور آن عنوان باشد که در جلسهٔ مشورتی ماه فوریه ۱۹۶۸ تعیین گردیده است یعنی: «وظائف مبارزه علیه امپریالیسم در مرحلهٔ کنونی و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و همهٔ نیرو های ضد امپریالیستی.»

شرکت کنندگان جلسهٔ تدارکی

دنباله در صفحه ۵

## نامه کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام

بمناسبت پیام همبستگی پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران با پیکار آزادیبخش خلق ویت نام

رفقای عزیز!

تبریکات صادقانه ما را بمناسبت پیام سرشار از روح همبستگی پرافتخار پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی خویش با پیکار آزادیبخش ملی ما علیه تجاوزکاران امریکائی بپذیرید.

برای حزب توده ایران کمیته‌های برادران در امر رهبری مبارزه عمال مردم خود بخاطر استقلال ملی، آزادی، دمو کراسی و ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان ایران، علیه استعمار و دیکتاتوری رژیم سلطنتی ایران که خدمت امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی است آزاد میدهد.

بگذار دوستی میان دو حزب ما و دو خلق ما در آینده بیش از پیش استوار گردد و توسعه یابد.

کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام

هانوی، ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۸.

دنباله از صفحه ۱

# گزارش هیئت دبیران به هیئت اجرائیه در باره موضع حزب ما در مورد حوادث چکوسلوا کی

رهبری گذشته اتخاذ نموده بود با تفاهم تلقی نمود ولی در همان حال از وضعی که رفته رفته در این کشور بوجود میآمد و پدیده‌های ناسالمی که بزیان سوسیالیسم و قدرت کار کسری و بسود محافل ارتجاعی و امپریالیستی ظهور مینمود نگران بود. با وجود این، چنانکه ضمن مذاکرات پلنوم دوازدهم نیز تصریح گردید، حزب ما امیدوار بود که حزب کمونیست چکوسلوا کی علیرغم اقدامات عناصر مغرب بر اوضاع مسلط گردد و بتواند راه صحیح را از میان انبوه حوادث ناگوار درهمی که در آن کشور میگذشت بیابد. ولی متأسفانه واقعیت اوضاع نشان داد که نه تنها رهبری حزب کمونیست چکوسلوا کی به پدیده سرمایه کردن ضد انقلاب کم بها میدهد بلکه رفته رفته زمام‌کار نیز از دست اوخارج میگردد.

در واقع نقشه ضد انقلاب که بصورت خزش آرام پیش میرفت در مرحله اول متوجه تضعیف و متلاشی ساختن حزب کمونیست چکوسلوا کی بود واظهارات و اقدامات برخی از رهبران حزبی نیز ولو بطور ناآگاهانه در جهت این نقشه دشمن سیر میکرد. دعوتهای برخی از رهبران حزب دائر بخاتمه دادن انحصار کمونیستها بر دولت و مردم و جدائی حزب از دولت، ادعای استقرار تعادل بین حزب کمونیست و احزاب سیاسی دیگر، نفی رهبری حزب در اقتصاد و فرهنگ، پیش کشیدن مسئله خود مختاری سازمانها و ارگان های حزبی بنحوی که سازمانهای مزبور الزامی به تبعیت از انضباط عمومی حزب نداشته و ارتباطشان با مرکز حزب مانند اتحادیه ها و کوپراتیو ها جنبهٔ داوطلبانه داشته باشد، پیشنهاد شناختن حق اقلیت و نظریات گروهی در اساسنامه حزب وغیره همه به سست کردن مبانی حزبی و تضعیف نقش رهبری حزب کمونیست کمك مینمود.

سازمان های ضد سوسیالیستی و ضد انقلابی تدریجاً در کنار حزب کمونیست وارد میدان عمل شدند. احزاب «جبهه ملی» از قبیل حزب خلق و حزب سوسیالیست بدواً مدعی شرکت هم سطح با حزب کمونیست در حکومت شدند و سپس پا را از این فراتر گذاشته رسماً مسئله بر کنار ساختن حزب کمونیست و ایجاد رهبری جدید غیر کمونیستی را مطرح ساختند. حزب سوسیال دموکرات علیرغم اینکه از طرف دولت ممنوع اعلام شده بود علناً تشکیل گردید و اعلامیه ای دائر به تجدید فعالیت خود انتشار داد و شبکه سازمانی خود را در ایالات و در پراگ ایجاد نمود. سازمانهای دیگر ضد انقلابی تحت عنوان «کلوب ۲۳۱» و کلوب «غیر حزبی های متعهد» که در آن همه گونه عناصر ضد سوسیالیستی شرکت داشتند آشکارا تشکیل گردید و بفعالیت پرداخت. وقتی در ماه فوریه گزینگل عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست چکوسلوا کی رسماً از ضرورت باز گشت به سیستم «چند حزبی» و «حق مساوی شرکت احزاب در دولت» سخن گفت این امر در حکم تشویق این سازمانها به بسط فعالیت خود بود. در پایان ماه ژانویه نامهٔ معروف به «۲۰۰۰ کلمه» نشر یافت که آشکارا علیه حزب کمونیست چکوسلوا کی تنظیم شده و صریحاً مردم را علیه حکومت قانونی حتی با توسل باسلحه، بمبارزه دعوت میکرد. در مطبوعات علناً طرح برکنار ساختن حزب کمونیست و انتقال دولت به غیر کمونیستها از طریق انتخابات فوق العاده مجلس مطرح شد و حتی سازمان های ضد انقلابی رسماً به تجهیز نیرو ها بمنظور شکست دادن حزب کمونیست در انتخابات مجلس پرداخته در حوزهٔ پراگ پرداختند. هدف این اقدامات که عبارت از تلاشی حزب کمونیست، انحراف از کمونیسم و سوق دادن حزب بسوسیال دمو کراتیسم، تغییر ماهیت دولت و تبدیل آن به جمهوری بورژوائی بود هر روز آشکارتر در مطبوعات منعکس میگردید.

وسائل عمده تبلیغ مانند رادیو، تلویزیون و جرائد عرصهٔ فعالیت شدید عناصر منحرف و ضد سوسیالیستی قرار گرفت. عناصر مزبور از این وسائل علیه حزب کمونیست استفاده میکردند. روزنامه‌ها و مجلاتی نظیر «لیترارنی لیست»، «ملادا فرونتا»، «پراتیه»، «لیدو دمو کراسی» و نظائر آن تبلیغات پردامنه‌ای علیه سوسیالیسم و حزب کمونیست، علیه ایده تولوژی مارکسیسم - لنینیسم، علیه کشورهای سوسیالیستی و بویژه علیه اتحاد جماهیر شوروی براه انداخته بودند. کار بجائی رسیده بود که روزنامه «ملادا فرونتا» در ۱۴ ژوئن بپایه‌ای از طرف کمیته ای که خود را سوسیالیست های چکوسلوا کی نامیده بود انتشار داد که در آن از جمله صریحاً چنین گفته شده است: «قانونی که ما میپذیریم باید هر گونه فعالیت کمونیستی را در چکوسلوا کی منع کند. ما فعالیت حزب کمونیست چکوسلوا کی را ممنوع خواهیم ساخت و این حزب را منحل خواهیم نمود». مؤلفین این سند پیشنهاد میکردند که آثار مارکسیسم - لنینیسم محو گردد. مهمتر آنکه برخی از افراد سرشناس حزب کمونیست چکوسلوا کی نیز در حملاتی که باصول مارکسیسم - لنینیسم مبنی شرکت داشتند و حتی به نفی اهمیت بین المللی لنینیسم پرداخته منکر آن شدند که درشرایط کنونی لنینیسم راهنمای عمل است.

عناصر ضد سوسیالیسم علناً مبتنیگهائی در نواحی مختلفه تشکیل داده و نسبت بحزب کمونیست، نسبت به اتحاد شوروی و برخی دیگر از کشورهای سوسیالیستی حمله ور میشدند و اینقبیل اظهارات بلا فاصله در مطبوعات علنی از قبیل «لیترارنی لیست» انتشار مییافت. در یکی از مبتنیگهای کلوب جوانان از جمله اظهار شد: «حزب کمونیست چکوسلوا کی سازمانی جنایتکار است که باید از زندگی اجتماعی طرد گردد». جالب اینست که عناصر راست ضد انقلابی که بر وسائل تبلیغی تسلط کامل یافته بودند امکان یافته بودند در مطبوع علنا علیه سوسیالیسم تبلیغ کنند و تحت شعار های ضد انقلابی به تظاهرات و مبتنیگ ها بپردازند ولی هنگامیکه کارگران و عده ای از اعضاء حزب باین جریانات معترض بودند و میخواستند که اعتراض خود را در مطبوعات منعکس نمایند با دشواریهای بسیاری روبرو میشدند و نمیتوانستند لااقل از امکانات مشابه استفاده نمایند. بدینطریق وضعی درچکوسلوا کی بوجود آمد که حمله علنی بمواضع و اصول مارکسیسم - لنینیسم آزاد و دفاع از حزب کمونیست و آموزش مارکسیستی - لنینیستی دشوار و خطرناك گردید.

درعوض، تهیج احساسات ناسیونالیستی و حملات شدید و ایراد اتهامات علیه نزدیك ترین دوستان چکوسلوا کی سوسیالیستی یعنی اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشور های برادر سوسیالیستی باب روز شد. از مازاریك دشمن جنبش کمونیستی و یکی از پیشاهنگان مداخله مسلحانه علیه روسیه شوروی بمثابه قهرمانی ملی بادمیشد و بنش درعداد افتخارات ملتهای چکوسلوا کی بشمار آمد. در عین حال جنجال تبلیغاتی بزرگی بپا شده بود مبنی بر اینکه تمام بدبختیهای چکوسلوا کی ناشی از آنست که گویا مدل سوسیالیسم شوروی بوی تحمیل شده و روابط اقتصادی بین چکوسلوا کی و اتحاد شوروی بزیان مصالح چکوسلوا کی و باری بر دوش اوست. در همین حال کارزار تبلیغاتی شدیدی علیه اوضاع اقتصادی شوروی و بمنظور بی اعتبار ساختن اقتصاد سوسیالیستی براه افتاده بود. کسانی چون شبك وهوادارانش مکتب او نه تنها مارکسیسم را تئوری کهنه و درگذشته ای معرفی میکردند بلکه مدعی شدند که اقتصاد چکوسلوا کی و دیگر کشورهای سوسیالیستی عقب افتاده و دچار بحران است. بحث برسر رفورم اقتصادی چکوسلوا کی نیز بآنجا میانجامید که از یکطرف اقتصاد سوسیالیستی درسته یاد انتقاد گرفته میشد و از سوی دیگر جانشین ساختن روابط خود بخودی بازار بجای اقتصاد طبق نقشه پیشنهاد میگردید. هدف این قبیل تبلیغات آن بود که سمت گیری اقتصاد چکوسلوا کی بسوی کشورهای غربی توجیه گردد.

علاوه بر این عناصر ضد انقلابی مسئله تجدید نظر در سیاست خارجی چکوسلوا کی و عضویت آن کشور را در پیمان ورشو پیش آوردند. تا جائیکه برخی از رهبران حزبی و زمامداران دولتی و از جمله وزیر خارجه هایك علنا در اظهارات خود از لزوم تغییر جهت در سیاست خارجی و تجدید نظر در پیمان ورشو سخن گفتند. بعضی از رجال چکوسلوا کی دم از نزدیکی با آلمان باختری میزدند، سخن از سیاست باصطلاح مستقل تری نسبت بسیاست اتحاد شوروی میرفت و برای توجیه این برخورد متکی باین استدلال نادرست میشدند که چون چکوسلوا کی بین شوروی و آلمان باختری قرار گرفته باید سیاست تعادل مبنی بر این واقعیت اتخاذ نماید.

این نظریه که صرفاً وضع جغرافیائی را پایه خط مشی سیاسی قرار میدهد، نه تنها مبنی طلبانی و هیچ گونه سوسیالیستی را کنار میگذارد بلکه متضمن چنین اندیشه ای است که گویا استقلال چکوسلوا کی از جانب اتحاد جماهیر شوروی، یعنی دولتی که این کشور را از چنگال فاشیسم آلمان هیتلری رهائی بخشیده و بیش از ۱۵۰ هزار تن از فرزندان خود را تنها برای نجات و تأمین استقلال آن فدا کرده است، مورد تهدید قرار گرفته و لذا لازم است کشور دیگری (آنهم آلمان غربی)! بمنزلهٔ وزنه ای برای خنثی ساختن این تهدید وارد میدان شود. بهمین سبب دیده میشد که مرزهای چکوسلوا کی عملا بروی کشور های غربی باز بود و خرابکاران و عمال سازمانهای جاسوسی امپریالیستی آزادانه بچکوسلوا کی می آمدند و رفت میکردند، پولهای کثیرالمی میرختند و مخفیانه اسلحه و مهمات بآن کشور وارد میشدند. مطبوعات سرمایه داری، [illegible] و تلویزیون در این کشور ها بشکل بسیاری به دفاع از تحولات چکوسلوا کی و سیاه جلوه دادن گذشته آن پرداختند. پروفسور مهترت که از کارشناسان معروف کشورهای شرقی است در توصیف حوادث چکوسلوا کی در ۳۰ مارس ۱۹۶۸ در تلویزیون آلمان غربی گفت: «این جریان درچکوسلوا کی تکامل در آن سمتی است که لنین را بشدت خشمناك میکرد؛ یعنی تکامل در جهت سوسیال دمو کراسی یا سوسیالیسم دمو کراتیك». وی سپس افزود: «متعلق اشیاء حکم میکند که روزی یکوئیم سوسیال دمو کراسی در این کشور زمام امور را بدست گرفته است». روزنامه فرانکفورتر روندشائو در تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۶۸ نوشت که در چکوسلوا کی «دگماتیکها کام را کام از لوس انجلیس، ارتش و دادگستری ومؤسسات ایدئولوژیك دور میشوند» یا مثلا کریسکی رئیس حزب سوسیالیست اطریش در روزنامه دی وات هامبورگ نوشت: «در مرحله اخیر در چکوسلوا کی یك جریان دمو کراتیزاسیون واقعی عملی میشد. در نتیجه این جریان دیگر چکوسلوا کی یك کشور دیکتاتوری کمونیستی نبود. دستگاه حاکمه دیکتاتوری کمونیستی را تکامل درونی حوادث فتح میکرد. روشن است که مقصود کریسکی سوسیال دمو کرات از دیکتاتوری کمونیستی و فتح جنبش آن، رژیم سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریاست و غرض او از پروسه دمو کراتیزاسیون پایان یافتن نظام سوسیالیستی و رهبری حزب کمونیست است. مهترت و کریسکی با این سخنان در واقع خنثی آرام ضد انقلاب را در چکوسلوا کی بیان میکنند یعنی همان شرایطی که بقول رفیق کومولکا چکوسلوا کی را بر سرانیسی قرار میداد که پایان آن روشن نبود.

این جریان درچکوسلوا کی روز بروز شدت میگرفت و همه چیز نشان میداد که عناصر ضد انقلابی بکمك نیرو های امپریالیستی و دستیاران ضد سوسیالیستی خود در خارج بفعالیت پردامنه هماهنگ و طبق نقشه ای

دنباله در صفحه ۳

دنباله از صفحه ۲

# گزارش هیئت دبیران به هیئت اجرائیه درباره

## «وضع حزب ما در مورد حوادث چکوسلوا کی

دست زده اند که هدف مهم آن اقدامات سرنگون ساختن نظام سوسیالیستی از راه تضعیف و تلاشی تدریجی حزب طبقه کارگر، بی اعتبار ساختن سوسیالیسم در چکوسلوا کی و لذی الاقتضاء از راه انجام یك کودتای ضد انقلابی برای بدست گرفتن قدرت‌ها که، جدا ساختن چکوسلوا کی از جامعهٔ سوسیالیستی و استقرار مجدد رژیم سرمایه داری در آن کشور بود.

کشور های سوسیالیستی شوروی، آلمان دمو کراتیك، لهستان، مجارستان، بلغارستان طی ملاقات های دو جانبه و جمعی عدیده ای در درسدن، مسکو، براگ، چیز ارنا دابتسا، براتیسلاوا نگرانیهای خود را در مورد این وضع آشفته با رهبری حزب کمونیست چکوسلوا کی در میان گذاشتند. رهبری حزب کمونیست چکوسلوا کی هر بار وجود فعالیت از جانب عناصر ضدسوسیالیست و رویزیونیست را تأیید کرده و اطمینان داد که حزب کمونیست بر اوضاع مسلط است و خود پایان دادن این اوضاع آشفته قادر است، ولی علاوه این اقدامات از حدود برخی سخنرانی ها و تقبیح های رفیق فراتر نمیرفت. حتی پس از کنفرانس براتیسلاوا و توافق شش حزب در آن که مایه شادمانی و خرسندی همه کمونیستهای جهان شد سیرکوفسکی رئیس مجلس چکوسلوا کی بفود اجازه داد که در مصاحبه ۷ اوت ۱۹۶۸ اظهارمنفی‌ای بدین مضمون نماید، «اعلامیه براتیسلاوا را اول باید به چکی ترجمه کرد. آنچه ما میخوا هیم بدان رسیده ایم. حالا باید آنچه را که براتیسلاوا از دست داده ایم بدست آوریم».

تسامح رهبری حزب کمونیست چکوسلوا کی نشان میداد که رهبری مزبور بعمق خطری که نه تنها چکوسلوا کی را تهدید میشود بلکه امنیت کشور های سوسیالیستی دیگر را نیز بخطر میانداخت کاملا بی بردیم است، یا دشین را جلب میشود و یا بامکانات خود برای حفظ ابتکار و عنان زدن به نیرو های ضد سوسیالیستی بر پهلا میدهد و حال آنکه حوادث بعدی و فعالیت وسیع نیروهای ضد سوسیالیستی که بمطابع، رادیو ها، تلویزیون و مراکز تسلیحات مجهز بودند نشان داد که این نیرو ها بیکار نبودند و کسی نمیگفت که با همین روش سنگر های دیگری را بدست میآوردند و ای چه بسا پیش از آنکه حزب کمونیست چکوسلوا کی به واقعیت بی میبرد امکان اتخاذ هر گونه تصمیم از او سلب میگردید.

این وضع بحق بر نگرانی کشورهای سوسیالیستی دمیدن میافزود و در برابر تردید و عدم قاطعیتی که رهبری حزب کمونیست و دولت چکوسلوا کی حتی پس از کنفرانس براتیسلاوا از خود نشان دادند برای اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی راه دیگری جز اقدام مستقیم برای کمك به خلق های چکوسلوا کی، بطبقه کارگر و عموم زحمتکشان آن کشور بمنظور حمایت و حراست از نظام سوسیالیستی و دستاوردهای آن، برای حفظ امنیت و تمامیت جامعهٔ سوسیالیستی در برابر دشمن طبقاتی داخلی و امپریالیسم، وجود نداشت.

نظر بهمین جهات و بر مبنای فاکتهای غیر قابل انکار حزب ما لحظه ای هم درتأیید کامل و پشتیبانی از عمل پنج کشور سوسیالیستی در چکوسلوا کی تردید نکرد و هیئت دبیران کمیته مر کزی بنا بر وظیفه خود از همان آغاز موضع حزب توده ایران را، که ناشی از خصلت عمیقاً انترناسیونالیستی آنست، ضمن اسنادی که انتشار داد روشن ساخت. چنانکه اسناد منتشره (موضعگیری هیئت دبیران و اعلامیه هائی که از جانب کمیته مر کزی در دوم و هفتم شهریور ماه ۱۳۴۷ صادر گردیده است) حکایت میکنند حزب ما ورود ارتشهای پنج کشور بیمان ورشو را بچکوسلوا کی بمثابه اقدامی در جهت اجراء وظیفه انترناسیونالیستی، برای دفاع از سوسیالیسم و دستاورد های آن در چکوسلوا کی، ارزیابی نموده است.

این مسئله که موضعگیری رهبری حزب مورد پشتیبانی کامل سازمانهای حزبی ما چه در ایران، چه در مهاجرت و چه در کشور های اروپای غربی واقع شده و اکثریت قریب باتفاق همه افراد حزب ما آنرا تأیید نموده‌اند نه تنها نشان دهندهٔ صحت موضع حزب است بلکه بویژه حاکی از رشد آگاهی طبقاتی و ایمان انترناسیونالیستی اعضاء حزب ماست.

در واقع تحلیل و درك صحیح حوادث چکوسلوا کی جز در مقطع مبارزه طبقاتی انترناسیونالیسم پرولتری میسر نیست. تضاد عمده جهان معاصر تضاد بین سرمایه داری امپریالیستی و سوسیالیسم است و بنا بر این مبارزه طبقاتی در مقیاس جهانی بطور عمده بین این دو نیرو انجام میگیرد و مسئله تناسب نیرو ها در مقیاس بین المللی فرع بر چگونگی پیشرفت این مبارزه است. بنا بر این پیروزی سوسیالیسم در هر کشور تنها پیروزی مبارزه طبقه کارگر آن کشور علیه سرمایه داری داخلی نیست بلکه پیروزی مجموع پرولتاریای بین المللی علیه امپریالیسم در مقیاس جهانی است. کشور های سوسیالیستی و در مر کز آنها کشور نیرومند اتحاد جماهیر شوروی مهمترین و قطعی ترین عوامل این مبارزه در صحنه جهان معاصرند و بهمین سبب است که جهت اساسی استراتژی امپریالیستی و در پیشایش همه آنها امپریالیسم امریکا مسلطون باین کشور ها و در مرحله اول متوجه اتحاد جماهیر شوروی بزرگترین و نیرومند ترین آنهاست. امپریالیسم بانحاء مختلفه میکوشد تا پیشرفت سوسیالیسم را در سراسر جهان متوقف سازد، سیر طبیعی تاریخ معاصر را منحرف کند و جهان را بعقبرا بکشاند. بدینمنظور از هیچ اقدامی برای تضعیف کشور هائی که سوسیالیسم در آنها پیروز شده است، از هیچ عملی برای جدا ساختن آنها از جامعه کشور های سوسیالیستی و از سوسیالیسم فروگذار نمیکند. اصول یکار طبقاتی بسوی حکم میکند که نخست عمده نیروی خود را صرف تضعیف و تخریب عوامل مقدم جبهه پرولتری نماید تا سپس بتواند در سراسر جبهه بحمله و هجوم بپردازد. امپریالیسم بخوبی میداند که حمله جبهه ای بمواضع سوسیالیسم مستلزم برافروختن نائرهٔ جنگ جهانی است که با توجه به نیروی عظیم نظامی، فنی و علمی اتحاد جماهیر شوروی مآلا جز انهدام قطعی امپریالیسم و سرمایه داری نتیجه دیگری نخواهد داد.

بهمین سبب تا کنیك امپریالیسم رخنه تدریجی در کشور های سوسیالیستی، تقویت عناصر ضد سوسیالیستی و ضد انقلابی، تهییج احساسات ناسیونالیستی و ضد شوروی، کوشش در ایجاد تفرقه و نفاق در میان اعضاء جامعه سوسیالیستی و جدا ساختن تدریجی آنها از سیستم جهانی سوسیالیسم بوسیله عوامل داخلی ضد سوسیالیستی همان کشور و در صورت امکان بوسیله کودتای ضد انقلابی است. چنانکه تجربه مجارستان در سال ۱۹۵۶ و تجربه چکوسلواکی در جریان هفت ماه سال جاری نشان داد امپریالیسم و عمال آن از کوچکترین اشتباهات بمنظور تهییج احساسات مردم و براگیختن آنها علیه حزب طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست استفاده میکنند و تحت شعار های استقلال و دموکراسی و اصلاحات اقتصادی میکوشند نظر مردم را از سوسیالیسم و جامعهٔ کشور های سوسیالیستی منحرف ساخته آنها را در جهت تضعیف حزب کمونیست و تلاشی سازمان های آن تجهیز کنند و رفته رفته وسائلی فراهم نمایند که اختیارات دولتی از دست کمونیستها خارج شده بعناصر ضدسوسیالیسم منتقل گردد و راه را برای استقرار مجدد رژیم سرمایه داری هموار سازند.

این تا کنیك ضد انقلاب از راه خزش آرام و از طریق سایش و فرسایش تدریجی ایده ئولوژیك در کشور های سوسیالیستی و باصطلاح «دموتاژ» یا اوراق کردن تدریجی سوسیالیسم یکی از شیوه های امروزی امپریالیسم در کشور های سوسیالیستی است. امپریالیسم بنا بتجربه مجارستان باین نتیجه رسیده است که حمله فرونتال و جبهه ای بمواضع سوسیالیسم و حزب کمونیست کشور های سوسیالیستی جز با کامی تلخ ای ندارد بهمین جهت چنانکه در جریان اوضاع چکوسلوا کی مشهود گردید این راه را با کمال احتیاط مرحله بمرحله و حتی تحت شعار های ظاهر پسند بدون تشنج و با برد بازی میپیماید. حوادث چکوسلوا کی طی هفت ماه سال جاری مراحل مختلفه این خزش را بوضوح نشان داد. در مرحله اول صحبت از دموکراتیزه کردن زندگی سیاسی و اجتماعی بود، سپس مسئله بیرون ریختن کادرهای سابقه دار حزبی پیش آمد، پس از آن مسئله مبارزه ضاربی دولت مطرح گردید، همینکه با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و عضویت درپیمان ورشو تحت علامت سئوال قرار گرفت آنگاه اصول اساسی مارکسیسم لنینیسم در سیاست و اقتصاد باد انتقاد گرفته شد، سپس اختیارات رهبری حزب کمونیست بمیان کشیده شد و رفته رفته بآنجا رسید که احزاب ضد سوسیالیستی و سازمانهای ضد انقلابی رسماً و علناً سلب قدرت از حزب کمونیست و بیرون راندن او از حکومت و حتی انحلال حزب کمونیست را مطرح ساختند.

صحیح است که اشتباهات رهبری گذشته حزب کمونیست و شیوه های بوروکراتیك و غیر لنینی آن در وخامت اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور و پائین آمدن سطح ایده ئولوژیك توده ها تأثیر فراوان داشته ولی از سوی دیگر نباید فراموش کرد که اتخاذ شیوه های لیبرال منشانه رهبری جدید حزب کمونیست چکوسلوا کی و اتحاد آن با عناصر آپورتونیست و رویزیونیست بمنظور سر کوب مخالفان درون حزبی، کم بها دادن به نیرو های ضد انقلابی و برخته تدریجی عمال امپریالیسم، دادن امتیازات پی در پی به عناصر راست و عدم مقابله با اقدامات ضد سوسیالیستی و برخورد سازشکارانه با آن خود در چیره شدن عوامل ضد انقلابی و تضعیف حزب کمونیست نقش مهمی ایفا نموده است.

رهبری حزب کمونیست بشعار «دموکراتیزاسیون» دلخوش داشت و گمان میکرد با دادن امتیازات پی در پی به جناح راست و عناصر رویزیونیست وحدت ملی برای خود کسب میکند، در حالیکه نیرو های ضد انقلاب به بخاطر دموکراسی بلکه برای استفاده از شعار دموکراتیزاسیون در جهت هدفهای خود، مبارزه میکردند و اگر تا حدی جناح رهبری جدید حزب را آگاه میساختند برای آن بود که بسیاری از خواستهای خود را بوسیله او بطور غیر مستقیم بدست میآوردند.

بنا بر این واضح است که اتحاد شوروی و سایر کشور های هم پیمان وی که با وجود تذکرات و هشدار باشهای مکرر خود مسامحه و ناتوانی رهبری حزب کمونیست چکوسلواکی را در مقابله با ضد انقلاب میدیدند و وسعت فعالیت و اوضاعی را که ضد انقلاب رفته رفته بدست آورده بود مشاهده میکردند که آثار پشتاد آینده آن بسرعت میکوبند که آثار پشتاد آینده آن بسرعت از جهان دوار چکوسلوا کی تجاوز میکرد، ناگزیر میگردند، «تضاد ضد انقلاب دشمن هرروز زنده‌تر گشته، زیرا که تنها با صبر و حوصله خود نظر لحظه استفاده از لحظه ای را داشتند، حیله باین دشمن و دستگاهش باید پاسخ داد، ما نیز دشمن متحد خود ان کمونیستها کمالی هستند که

دنباله در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۳

# گزارش هیئت دبیران به هیئت اجرائیه در باره موضع حزب ما در مورد حوادث چکوسلوا کی

حوادث چکوسلواکی را صرفاً از لحاظ صوری مورد توجه قرار میدهند. آنها دراین مورد مسائلی از قبیل حاکمیت دولت چکوسلوا کی ، مسئله حق ملت ها در تعیین سرنوشت خود ، استقلال احزاب کمونیستی وکارگری و غیره را پیش میکشند و باستناد اینکه دولت و حزب چکوسلوا کی خود چنین تقاضائی از ۵ دولت بیان ورشو نکرده است اقدام پنج دولت سوسیالیستی را بمثابه نقض حاکمیت آن دولت و دخالت در امور داخلی آن تلقی میکنند.

چنین کسانی توجه باین نکته مهم ندارند که اگر ضد انقلاب در چکوسلوا کی پیروز میشد و نظام سوسیالیستی بر میافتاد دیگر از استقلال چکوسلوا کی واز حاکمیت خلق سخنی در میان نبود. چکوسلوا کی غیر سوسیالیستی در حد اکثر دارای همان استقلالی میشد که امروز کشور هائی نظیر پرتقال و یونان در کادر منافع امپریالیستی از آن برخوردارند. تاریخ نشانداده است که استقلال واقعی چکوسلوا کی فقط با استقرار قدرت سوسیالیستی امکان پذیر گردیده است . از این گذشته برای کمونیستها مسئله استقلال و حاکمیت ملی ، مسئله حق ملت ها در تعیین سرنوشت و خلاصه کلیه مسائل مربوط بملت و حاکمیت در مقطع مبارزه طبقاتی مطرح است نه بطور مطلق . کمونیستها بحق عقیده دارند که حاکمیت واقعی خلق ، استقلال ملی و آزادی تعیین سرنوشت خلق ها هنگامی بمعنای واقعی تأمین میگردد که انقلاب اجتماعی پیروز شده و حاکمیت خلق یعنی حاکمیت مردم زحمتکش ، حاکمیت اکثریت خلق استقرار یافته باشد استقلال ملی ، حاکمیت ، دموکراسی و حقوق ملی در حکومت بورژوائی فقط مظاهیمی هستند که بنام اکثریت حاکمه تمام میشوند و چنانکه تجربیات تاریخی مکرر نشان داده اند آنگاه که مصالح طبقات ایجاب کند همه این مظاهیم زیر پا گذارده میشوند . بعلاوه در اوضاع و احوال کنونی ، در عصری که سرنوشت تمام بشریت مترقی وابسته به نتیجه مبارزه ایست که در مقیاس جهانی بین نیرو های سوسیالیسم و امپریالیسم در گیر است ، مسئله چکوسلوا کی یا هر دولت سوسیالیستی دیگر یک مسئله صرفاً داخلی نیست بلکه مسئله ایست که با مجموع پروسه انقلابی جهان یا تمام گیر و دار این مبارزهٔ عظیم طبقاتی بستگی دارد. لذا طرح آن در زاویه صرفاً داخلی و ملی و استناد جستن به مسائل صوری و ظاهری اگر مقصود دلیل تراشی نباشد یا نشانهٔ عدم آگاهی بمسائل اساسی سیاسی است و یا حکایت از ضعف جنبه پیکار جوئی طبقاتی است .

کمونیستها عقیده به صدور ضد انقلاب ندارند ولی موافقند با صدور ضد انقلاب بهر شکلی و شایعی که بروز کند شدیداً و قویاً مبارزه کنند . کشور های سوسیالیستی و در مر اکز آنها اتحاد جماهیر شوروی نمیتوانند و حق ندارند مانند ناظر بیطرفی تماشا گر صحنه های صدور ضد انقلاب آنهم در کشوری سوسیالیستی باشند و هیچ واکنش جدی از خود بروز ندهند .

مسئولیت تاریخی قصور و اهمال در جلو گیری از صدور ضد انقلاب جدی است که کشورهای سوسیالیستی تا گزیر ند بهنگام ضرورت حتی از کلیه حدود صوری وظاهری بگذرند و بکمک خلق برادر ، بکمک زحمتکشان کشوری بشتابند که مورد هجوم و حمله عناصر ضد سوسیالیستی داخلی وعمال توطئه گر امپریالیستی قرار گرفته اند . این حکم تاریخ است ، این ضرورت مبارزهٔ طبقاتی است ؛ این برخورد انقلابی بمسائل سیاسی است .

بنا بر این واضح است که ورود ارتش های ۵ کشور پیمان ورشو به چکوسلوا کی نه تنها نقض حاکمیت و استقلال چکوسلوا کی نیست بلکه درست بمنظور حمایت از استقلال و حاکمیت خلق بمنظور نگاهداری و تحکیم سوسیالیسم در چکوسلوا کی انجام گردیده است . این مداخله در امور داخلی چکوسلوا کی نیست بلکه واکنش علیه مداخله امپریالیسم و عوامل ضد انقلابی در امور داخلی خلق چکوسلوا کی است . بهترین دلیل صحت این نظر کامیابی تبلیغاتی و هیستری ضد شوروی ای است که دستگاههای تبلیغی کشورهای سرمایه داری و محافل امپریالیستی براه انداخته اند . مطبوعات ، تلویزیونها ، رادیوها و محافل رسمی کشور های سرمایه داری که در باره تجاوزات فجیع امپریالیستی و از آنجمله بمباران‌های وحشیانه و کشتار دسته جمعی مردم در ویت نام روش تأیید یا خاموشی اختیار نموده اند و یا در گوشه و کنار بعضی تذکرات «دوستانه» اکتفا میکنند در این جریان بزرگترین کامیابی را براه انداخته و برای دموکراسی و حتی سوسیالیسم و حزب کمونیست چکوسلوا کی اشکها ریخته ، هیئتگ ها و اعتراضات برپا کردند ، اکثریت صفحات روزنامه ها و گفتار های رادیوئی و تلویزیونی خود را صرف حوادث چکوسلوا کی و غیبه خوری برای «سوسیالیسم دموکراتیک» چکوسلوا کی ، که گویا پایمال ارتشهای ۵ کشور سوسیالیستی گردیده است نمودند . چرا ؟ چه شده است که این محافل سرمایه داری یکباره به مسائم سوسیالیسم نشسته اند و دلشان از غم ریش شده ، برای حزب کمونیست چکوسلوا کی سینه چاک میکنند ؟ سرمایه داران آلمان غربی را چه شده است که مدال طلای دویچت دیر حزب کمونیست چکوسلوا کی را میسازند و در همه جا خرید آنرا در جنب تمثال موشه دایان و آدنائور تشویق میکنند ؟ امپریالیست های امریکا و انگلیس که اینهمه جنایات ضد حقوق خلقها و استقلال ملتها در سیاهه اعمال خود دارند چطور یکمرتبه شیفتهٔ استقلال و آزادی چکوسلوا کی ، عاشق دموکراسی وسوسیالیسم شده اند ؟

در واقع این جنجال و غوغا را امپریالیسم و سخن گویان تبلیغاتی وی نه بخاطر دموکراسی و استقلال چکوسلوا کی بلکه برای عدم موفقیت در نقشه های ارتجاعی و امپریالیستی خود براه انداخته . اینان برای شکست خود اشک میریزند و بآرزو های برباد رفتهٔ خویش میگریند . اکنون اینان میکوشند با کارزار تبلیغی خود نه تنها شکست خود را پنهان نمایند بلکه حد اکثر استفاده را برای بی اعتبار ساختن سوسیالیسم بنمایند ، توجه توده های مردم جهان را از جنایات فجیع خود در ویت نام ، در امریکای لاتین، در افریقا و آسیا ، منحرف ساخته تأثیر منفی سیاست تجاوز کارانه و گانگستریسم سیاسی امپریالیسم امریکا و قتل عام سیاه پوستان امریکائی را با این شیوه ها خنثی نمایند . امپریالیسم و ارتجاع بین المللی عدم رضایت آشکار خود را از اینکه ارتشهای اتحاد جماهیر شوروی و چهار کشور سوسیالیستی دیگر نه بصورت اشغالگر بلکه بصورت دوست و یار متحد مردم چکوسلوا کی وارد سرزمین چکوسلوا کی شده اند ابراز میدارند . آنها از شیوهٔ خردمندانه و رفتار دوستانهٔ نیرو های پنج کشور سوسیالیستی متأسفند . از اینکه خونریزی انجام نشده ، در رهبری حزب و دولت تغییری داده نشده ، در برنامهٔ اصلاحی حزب و دولت چکوسلوا کی مداخله‌ای نشده ، از اینکه موافقت‌نامه‌های مسکو امضاء گردیده است سخت ناخرسندند زیرا بدینطریق هدف تبلیغاتی آنها که عبارت از یکسان جلوه دادن سیاست کشور های سوسیالیستی ودولت های امپریالیستی است بسنگ خورده است و دیگر دشوار است که منظور واقعی اقدامات ۵ دولت سوسیالیستی را در مورد مقایسه با تحریکات امپریالیستی در چکوسلوا کی از انظار مردم جهان مستور داشت .

دراین کامیابی تبلیغاتی علیه اتحاد شوروی و چهار دولت دیگر سوسیالیستی متحرفین بخاطر دموکراسی و استقلال چکوسلوا کی بلکه برای عدم موفقیت در نقشه های ارتجاعی و امپریالیستی خود پا گردانده

# کمیته های حزبی بفعالیت خود ادامه میدهند

شعلهٔ آتش بر سر متفکرترین قله های شهر تهران ، شب دهم مهر ماه ، جشن بیست و هفتمین سال تأسیس حزب توده ایران را اعلام نمود ، در کنار شعله‌ای که بسر بالای توچال افروخته شده بود ، پلاکانی قرارداشت که روی آن نوشته شده بود :

«خجسته باد بیست و هفتمین سال تأسیس حزب توده‌ایران . روز دهم مهر ترا گنهائی در تهران و شهرستانها پخش شد و جشن مهرگان را بزحمتکشان ایران تبریک گفت و شعار های حزب را باطلاع مردم رساند .

فعالین حزبی در خیابان امیریه روبروی راه آهن شعار بزرگ ی را از سیمهای برق آویزان کرده بودند که بیست و هفتمین سالگرد حزب را اعلام مینمود .

شعلهٔ آتش ، پلاکانها و ترا کتها ، قلبها را گرم میکنند، بایاد به مبارزه و پیروزی‌را میافزایند و به زحمتکشان و خلقهای ایران‌در پیکار خود الهام میبخشند .

## نگاهی بفعالیت مردم ارگان تشکیلات تهران

ضمیمهٔ مردم در شماره مهر ماه خود مینویسد :

« جشن مهرگان ، جشن توده هاست ، جشن پیروزی کاوه آهنگر بر ضحاک ستمگر ، در این روز حزب توده ایران ، حزب طبقهٔ کارگر ایران با بحرمهٔ وجود نهاد و بازدرفش کاویانی با دستهای کارگران و دهقانان و همهٔ زحمتکشان ایران بر افراشته شد . . تشکیلات تهران بیست و هفتمین سالگرد تأسیس حزب را به کمیتهٔ مرکزی و رفقای حزبی و عموم حزب تبریک میگوید ، بخون شهدای حزب و پایمردی رفقائیکه در زندانها و تبعید گاهها دردندند سوگند صدمه برای نیل بهدف های صلح و استقلال ملی و دمکراسی وترقی و رفاه عمومی صمیمانه مبارزه کرده و در این راه از ایثار جان خود نیز مضایقه نکنیم» فرخنده باد بیست و هفتمین سالگرد حزب توده ایران - درود به زندانیان قهرمان توده‌ای ، پرویز حکمت جو ، علی خاوری ، صابر محمد زاده و آصف رزم دیده . . .

ضمیمهٔ مردم مقالهٔ جالبی دربارهٔ وضع فرهنگی و آموزشی کشور نوشته ، با تشریح دردها رنجاره رانشان داده و پوچی باصطلاح انقلاب فرهنگی شاه را با ارقام و شواهد ثابت کرده است . این مقاله را رادیوی پیك ایران پخش نموده است .

در ستونهای دیگر روز نامه راجع بحوادث چکوسلوا کی و نقطهٔ نظر سازمان حزبی ما در تهران، اخبار کارگران ، فاجعه زلزله خراسان وفن مبارزه‌بایلیس و سازمانهای مخفی ، مطالب آموزنده و مفیدی چاپ شده است. ضمیمهٔ مردم که در شرایط اختناق پلیسی منتشرمیشود، تنها روزنامه‌ای است در تهران که پیدرپی از منافع زحمتکشان دفاع میکند و راه مبارزه‌را نشان میدهد . دستهای توانای

دنباله از صفحه ۴

## گزارش در مورد حوادث چکوسلوا کی

ورود ارتشهای پنج کشور سوسیالیسم دوست در جهت اجراء همین اصول بوده است و بس.

برخی از محافل ارتجاعی بین‌المللی و همچنین عده‌ای از متحرفین راست و رویزیونیست چنین ادعا میکنند که گویا اقدام دولت اتحاد جماهیر شوروی وچهار دولت دیگر سوسیالیستی در چکوسلوا کی نشانهای پایان یافتن هنرسیتی مسالمت آمیز و بازگشت به مواضعی است که این محافل آنرا بنام نو استالینیسم نامیده‌اند. صرفنظر از انگیزه های ضد شوروی و ضد کمونیستی این تبلیغات بویژه از جانب محافل وابسته بامپریالیسم و ارتجاع بین المللی وجناح راست سوسیال دموکراسی ، ابراز چنین نظریاتی در درون نهضت بین المللی کمونیستی و کارگری حاکی از درك نادرست سیاست هنرسیتی مسالمت آمیز است . در واقع چنانکه در اعلامیهٔ ۱۹۶۰ نیز تصریح شده ، سیاست هنرسیتی مسالمت آمیز که ناشی از اصول اساسی لنینیسم است ، نوع عالی مبارزهٔ طبقاتی در مقیاس بین المللی است و بهیچوجه با مفهوم سازشکارانه‌ای که برخی ازمنحرفین راست از آن درك نموده‌اند و تبلیغات مخرب و مغرضانه‌ای مائوئیستی بآن دامن زده است ارتباطی ندارد ، مائوئیسم مدعی است که گویا بین اتحاد شوروی و امریکا بر سر مسائل بین المللی سازشی انجام یافته است و سیاست هنرسیتی مسالمت آمیز قطعوپله‌ای برای پوشش این سازش است . منحرفین راست نهضت کارگری نیز سیاست هنرسیتی مسالمت آمیز را به یکنوع دمساز نمودن سوسیالیسم با سرمایه بنوعی سازش باموامنع امپریالیستی و ارتجاعی و مسکوت گذاردن مبارزهٔ طبقاتی تعبیر کرده‌اند و بهمین سبب که اقدامات دولت اتحاد شوروی و چهار کشور سوسیالیستی در چکوسلواکی صادق ترین آنها را دچار حیرت و سرگیجه نموده‌است وسیله‌ای بدست سرچشمهٔ انحرافی تاسیونالیست های مبلس بلیاس کونیسم داده است تا به بر کستر ضد شوروی محافل امپریالیستی و ارتجاعی و مائوئیستها بپیوندند و از این راه بکوشند تا سیاست سازشکارانه خود را موجه جلوه دهند .

حزب ما چنانکه بارها در اسناد منعقدهٔ خود متذکر شده است بهیچوجه با چنین تعبیری از سیاست هنرسیتی مسالمت آمیز موافق نیست و چنین نظریات را انحراف مسلمی از مواضع مارکسیسم - لنینیسم میشمارد. ما سیاست مسالمت آمیز را نه تنها بمعنای نفی مبارزهٔ طبقاتی چه در داخل یك کشور و چه در مقیاس بین المللی نمیدانیم بلکه بمعکس اعمال صحیح آن سیاست را وسیلهٔ نیرومندی برای پیشرفت سوسیالیسم در صحنهٔ بین المللی میشماریم.

کمونیستهای واقعی هیچگاه سیاست هنرسیتی مسالمت آمیز یعنی سیاست درستی که هدف آن بجلو راندن سوسیالیسم و عقب راندن امپریالیسم در مقیاس بین المللی ، در عین کوشش همه‌جانبه برای حفظ صلح و جلو گیری از جنگ ، در عین داشتن مناسبات عادی اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی با جهان سرمایه داری است ، با سازش و دمساز شدن با مواضع سرمایه داری امپریالیستی ، با انصراف از مواضع طبقاتی و سر باز زدن از حفظ مواضع سوسیالیستی و دستاورد های انقلابی اشتباه نمیکنند. سیاست لنینی هنرسیتی مسالمت آمیز زادهٔ انقلاب سوسیالیستی و تشکیل جامعهٔ نوین سوسیالیستی است یعنی جامعه‌ای که باید بحکم ضرورت تاهنگامیکه هنوز امپریالیسم بر قسمت های مهمی از جهان تسلط دارد ، در جنب جوامع سرمایه داری زیست نماید ، سوسیالیسم‌را ازدستبرد امپریالیسم حفظ کند، بسط تأثیر وپیشرفت آن در جهان بکوشد، بنابراین پایه‌ای اساسی این سیاست حفظ و حراست سوسیالیسم از دستبرد سرمایه داری و پیش راندن سوسیالیسم در شرایط آنکه‌همزیستی صلح است و لذا نمیتواند بمعنی سازش و سکوت در برابر امپریالیسم و ازدست دادن مواضع سوسیالیسم، تعلل و مسامحه در مقابله با تحریکات امپریالیستی یاسف ماندن دربرابر صدور ضد انقلاب یا بعبارت دیگر نفی مبارزهٔ طبقاتی در مقیاس بین المللی باشد .

چنانکه ملاحظه میشود موضع حزب ما در مورد حوادث چکوسلوا کی بهیچوجه مبتنی بر این یا آن مصلحت مشخص روز نیست و بر خلاف آنچه مخالفان حزب ما ادعامیکنند نه براساس دنیا له روی و نه بر پایهٔ ملاحظات است بلکه ناشی از اصولیت حزب ما وتحلیل عمیق اوضاع سیاسی جهان معاصر و وفاداری حزب ما باصول انقلابی و انترناسیونالیسم پرولتری است .

حزب ما چنانکه در اعلامیهٔ دوم شهریور گفته شده است «با احساس مسئولیت کامل و درك اهمیت ، فوریت و ضرورت این اقدام پشتیبانی قاطع خود را از آن اعلام داشته است . یقین است با توجه بهمین اصول اقدامات هیئت دبیران در این باره مورد موافقت و تأیید کامل هیئت اجرائیه واقع خواهد گردید.

دنباله از صفحه ۱

## کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری

در ماه مه تشکیل خواهد شد

موافقت نمودند که اجلاسیهٔ آیندهٔ کمیسیون تدارکی روز ۱۷ مارس ۱۹۶۹ در شهر مسکو تشکیل گردد تا طرحهای اسناد کنفرانس را موردمطالعه قرار دهند تصمیمات لازمه دربارهٔ مسائل سازمانی کنفرانس اتخاذ نموده تاریخ دقیق کنفرانس را تعیین نماید .

۳- جلسهٔ تدارکی گروه کار رامأمور نمود که طرح اسناد کنفرانس را آماده سازد .

۴- جلسهٔ تدارکی اعلامیه‌ای دربارهٔ ویت نام و اسنادی علیه کنتاکت کمونیستها و سایر مردم دموکرات در اتموزنی و علیه تضییقات ضد دموکراتیك در برخی از کشور های امریکای لاتین صادر نمود و نیز سندی دائر باعتراض علیه محکومیت آلکوس پاناکولیس در یونان تصویب کرد .

۵- هیئت های نمایندگی کلیهٔ احزاب حاضر در جلسه مراتب سپاسگذاری عمیق خود راتسبت بحزب سوسیالیست کارگری مجارستان در مورد زحمات ارزشمندی که برای تشکیل و سازمان دادن امور جلسات مشاوره و کمیسیون های تدارکی انجام داده و پذیرائی برادرانه‌ای که از نمایندگان احزاب نموده‌اند ابراز داشتند و بنیاست برگزاری مراسم جشن پنجاهمین سالگرد حزب کمونیست مجارستان صمیمانه ترین درود ها را باعضاء حزب سوسیالیست کارگری مجارستان ، ادامه دهنده حزب کمونیست آن کشور و ملت مجار تقدیم داشته موفقیت های هرچه بیشتری را برای آن حزب برادر آرزو نمودند .

دنباله از صفحه ۱

## موج بی آرام ترور و فشار

اخراج شده‌اند. از این عده برخی بسرمایهٔ خانه ها اخراج وبعضی زندانی اند. دوتفر از استادان دانشگاه پهلوی شیراز نیز آقایان د کتر زیرك زاده و د کتر پناهی زندانی وشکنجه شده‌اند .

ترور و فشار نه تنها در داخل کشور بلکه بخارج از کشور نیز دامن کشیده‌است. سازمان امنیت شاه از دانشجویان ایرانی را که باصطلاح «ناراحت» تشخیص داده شده‌اند از اتریش اخراج نماید .

بطوریکه مشاهده میشود گروههای مختلف زندانیان سیاسی دارای عقاید گوناگون سیاسی هستند ولی حزب توده‌ایران طبق سنت خود وظیفه خویش میداند که از کلیه کسانی که مورد تعرض و هجوم رژیم هستند دفاع کند و بدینجهت کمیته مرکزی حزب توده ایران طی نامه‌ای که متن آن در همین شماره «مردم» درج گردیده ، از کلیه سازمانهای دموکراتیك و عناصر مترقی در سراسرجهان خواسته است تاصدای اعتراض خود را علیه جنایات رژیم بلند کنند. در این میان کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی و نیز سازمانهای مترقی دانشجوئی در خارج از کشور ، وظیفه درجه اول را بر عهده دارند . باید بدون درنگ همه نیرو ها را در دفاع از زندانیان سیاسی و از جمله دانشجویانی که جانشان در خطر است تجهیز نمود و به صحنه مبارزه کشید . باید چهرهٔ مستبد شاه را به جهانیان نشان داد ، باید آدم کشی های اخیر را پیش از پیش افشانمود ، نباید گذاشت کسی که دستش تا مرفق بخون آزادگان آلوده است ، بالوسالته برچم دفاع از حقوق بشر را در دست گیرد . مبارزان دلیری که اسیردست دژخیم‌اند از ما طلب یاوری دارند . مینو

## درود برفقای قهرمان تهران

دنباله از صفحه ۱

# چرا شاه وفیصل وامیر کویت بهم نزدیک میشوند

فیصل ساخته شد زیرا این فیصل بود که در جریان تشکیل فدراسیون خلیج که ایران نیز برای خود در آن نقشی قائل است شرکت جست . شاه از این جریان ایران رنجش کرد و از ملاقات محمود خوش نه آمد. فیصل خود دارای ورزیده . از امیر دوران نوفی کشش و کشمکش که پنهان و گاه آشکار بین شاه ازسوئی و فیصل و امیر کویت در جریان است میکوشد تا سوی دیگر پدیدگردید. امپریالیستها بسیار مایلبودند که این نیرو ها را که تکیه گاههای ترقی در خاور میانه هستند بهم نزدیک کنند . مجله امریکائی «مانع دایوز ویک» در شماره ۲۵ نوامبر ۱۹۶۸ خود مینویسد : «سیتدمند امریکا متفاهمت کند که سازمان خاور میانه - ملک حسین از اردن ، ملک فیصل از عربستان سعودی و شاه محمدرضا پهلوی از ایران» سه هدف اساسی در قبال نفوذ شوروی در این ناحیه که از لحاظ نفتی غنی است ، تلقی میکنند .» بر اساس همین ارزیابی که «نیوز ویک» آنرا صریحاً مطرح میکند امپریالیستها مایل بودند که تفاهمتاتی را که در پرتو تکیه گاههای آنها در خاور میانه بروز کرده بود بر طرف سازند و بهمین منظور فعالیت پس پرده طولانی آغاز شد و سرانجام به حوادث اخیر و ملاقات شاه و فیصل و امیر کویت انجامید .

اما برای پاسخ دادن مشخص باین سئوال که در سر چه مسائل مدیتی شاه و فیصل و امیر کویت ملاقات کرده و بهم نزدیک شده اند علاوه بر این توجه کافی خوبست به فاکتهای مندرجه در مطبوعات ایران و خارج نظر افکنیم :

کیهان در شماره ۲۹ اکتبر ۱۹۶۸ عود کبل از مسافرت شاه به ریاض و کویت چنین نوشت :

«قرار داد ایران و عربستان سعودی در هفته گذشته بین دکتر اقبال رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت وزکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی به امضاء رسید و بدین ترتیب باختلاف نظری که میان دو کشور وجود داشت پایان داده شد و مدتاً (!) دست دو کمپانی نفت یکی امریکائی و آرامکو شد در کار اکتشاف و استخراج نفت باز گذاشته شد . اهمیت این دو کمپانی که اولی (آرامکو) امتیاز نفت عربستان را در اختیار دارد در کار اکتشاف و استخراج نفت در خلیج فارس بخصوص در حوزه قرمدان در نزدیکی دو جزیرهٔ فارس و العربی با مشکلاتی روبرو شده و فعالیت آنها در آن ، بعلت مشکلات فنی . این دو کمپانی هر دو امریکائی هستند و از حالا بر اساس این قرار داد فعالیت خود را در این منطقه تجدید میکنند .»

در همین شماره کیهان از توافق ایران و عربستان سعودی در باره قبول حاکمیت عربستان سعودی بر جزیره فیر مسکون «العربی» و حاکمیت ایران بر جزیره «فارسی» خبر میدهد . این توافق ها که هر آمالانه رفتن شاه بعربستان سعودی انجام گرفت تا حدودی یکی از «نفرهای معرکی» را که در کار نزدیکی شاه و فیصل وجود داشته است روشن میکند. باین توضیح « اظهارات بی بی سی ، در تاریخ ۱۰ نوامبر روشنی دیگری میافکند . بی بی سی، در این تاریخ ضمن گفتاری چنین گفت :

«از مدتها پیش در انگلستان و شرق میانه علاقه فراوانی بانتظار دیدار شاهنشاه ایران و عربستان سعودی و مذاکره با ملک فیصل هستند . این دیدار قرار بود در اوایل سال جاری صورت گیرد و موکول شدن آن به بعد مایهٔ تأسف گردید ولی علت آن قابل درک بود . بسیاری از مردم در انگلستان به نقش ایران و عربستان سعودی در ثبات وضع خلیج فارس پس از خروج قوای انگلستان از این ناحیه اهمیت فراوان قائلند .

اینک دو خبر علاقه امپریالیستهای امریکا و انگلستان را به نزدیکی شاه و فیصل و امیر کویت روشن میکند . منافع نفت خاور میانه، منافع استراتژیک امریکا و انگلستان در دفع اساسی نزدیکی شاه وفیصل و امیر کویت است . آنها از پیدایش ائتلافاتی که در سالهای اخیر کمابیش در باره مسائل مسئله خلیج فارس بین عربستان سعودی و ایران پدید شده بود خرسند نبودند .

بمطالعه فاکتها اندامه معیم :

اطلاعات در مرسقاله خود بمناسبت سفر شاه به عربستان سعودی مینویسد :

«با توافق در زمینه تعیین خط التصف و حدود فلات قاره ایران عربستان مسئله‌ای عرضه‌ایست ایران و عربستان وجود ندارد و شاهنشاه ایران و ملک‌فیصل بهنگامی یکدیگر را ملاقات میکنند که افق‌روابط دو کشور بلند آیینه ای صاف و درخشان و مساعد برای فراهم آوردن زمینه های همکاری و تشدید روابط برادری و همکاری مالی دو کشور است . . . در عرصه خلیج با فرا خوانده شدن قوای انگلیس سرنوشت آن بعردم معلقه سپرده میشود ، ایران و عربستان دارای منافع حیاتی میباشند که وظیفه حفظ این منافع‌گذشته از آن مسئولیت حفظ حقوق ومنافع امارات و شیخ نشین خلیج فارس را از این پایتاس رأسا ایفا میکنند و این خود مستلزم یك همکاری صمیمانه است در منطقه خلیج.

☆ ☆ ☆

پدیسان : ۱ - حفظ منافع نفتی امپریالیستها دیفور مشخص پال امریکن و آرامکو ، ۲ - حفظ منافع سوق الجیشی امپریالیستها پس از رفتن قوای انگلیس ۳ - حفظ سیطره امپریالیست ها بر امارات خلیج در قبال تقوة جنبش ملی علیه امپریالیستی عرب به دوکشور خاور میانه ایران و عربستان سعودی . که هیئت های حاکمه آن نزدیکترین روابط را با شرکتهای نفتی امریکا و انگلیس و بطور کلی امپریالیسم دارند واگذار میشود .

این نزدیکی متمداً دارای یك جهت چهارمی نیز هست که از جهت فوق اهمیتش کمتر نیست و آن ایجاد یك اتحاد ارتجاعی در خاور میانه علیه نیرو های مترقی جنبش ملی عرب است . مطالعه سخنرانی های شاه و فیصل این جهت را نیز بخوبی نشان میدهد. آنها از «مطامع» امپریالیستی دیگران (!) تقبیح‌ده‌اند و تفرقه بین خود را زیانبخش دانسته اند . سخنرانی هر دو شاه مسئید نسبت بیکدیگر سخت اغراق آمیزست . شاه در سخنرانی خود در مقابل فیصل گفت :

«به پیاسم از تفرقه مملکت اسلامی تا بحال چه نتیجه ای گرفته اند ؟ اگر بجهتی گذشته خوب بوده است من حرفی ندارم و اما اگر فکر میکنیم که بر اساس نفاق بر اساس تخیلات و احیاناً بر اساس دیدات خاص نتیجه ای برای مملکت مسلمان تمام شده است؟ آیا وقت آن نرسیده است که در رویه خود تجدید نظر کنیم ؟ »

در باره اینکه این اتحاد ، چنانکه گفتیم ، علیه جنبش عرب و علیه کشور های ضد امپریالیستی عربی است «نیوز ویك» (در شماره ذی که آن یاد کردیم) صریح سخن گفته است . «نیوز ویك» مینویسد: «شاه ایران مدتها فیصل هرگز تحریکات ناصر را در ایجاد آشوب فراسخان تنفیذ خودشان فرامرش نمیکند و رئیس جمهوری مصر را خطرناکترین دشمن خویش میشمارد. شاه ایران و فیصل بقصد جلوگیری از اشاعه «ناصریسم» در شبه جزیره عربی برای شاه پرسنال یمن سلاح و پول ارسال داشتند تا آنها را در نبردشان علیه جمهوریخواهان که مورد حمایت ناصر و مسکو هستند یاری کنند .»

بر اثر نفوذ همین نیرو های مترقی و ضد امپریالیستی در کشور های مختلف عربی است که عبدالرزاق کیهان ، علی رغم شکوه و بلاغی که در مسافرت اواخر آبانماه شاه بکویت برای وی قائل شده بود ، هنوز توهمی نگرانی در دل دارد زیرا میدید ، مردم

## صفحه سرود ها منتشر شد

این صفحه حاوی سرود های اول و سوم و چهارم حزب و یك بند از سرود انترناسیونال و یك بند از سرود جهانی جوانان میباشد.

بهاء ۷۵ ریال و در خارج از ایران یك دلار و یا معادل آن .

دنباله از صفحه ۱

## نامه‌کمیته‌مرکزی حزب‌توده‌ایران

| | | |
|---|---|---|
| ملا حسن | در مهاباد | بدار آویخته‌شد |
| ملا عبدالله | در مهاباد | بدار آویخته شد |
| ملا آوار | در مهاباد | بدار آویخته شد |

چنین سرنوشتی نیز در انتظار ۲۰۰ نفر از آزادیخواهان کرد و آذربایجانی که در این اواخر در شهر های تبریز ، رضائیه ، مهاباد ، اشنویه ، نقده ، مکوئر ، لاهیجان ، بیران و غیره بازداشت شده اند میباشد .

کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه ۸ اوتبر خود علیه این عمل غیر قانونی و وحشیانه مقامات ایرانی شدیداً اعتراض کرده و از تمام احزاب سازمانها و شخصیتهای آزادیخواه و میهن پرست ایران خواستار گردید ، علیه این رفتار غیر انسانی حکومت مستبد اعتراض نموده برای نجات زندانیان سیاسی و بویژه بازداشت شدگان کرد و آذربایجانی که هر لحظه خطر مرگ آنهرا تهدید میکند هرچه در قوه دارند بکار برند .

ما مطمئنیم که در مقابل چنین جنایاتی نمیتوان سکوت کرد . این جنایات نقض صریح ابتدائی ترین حقوق انسانی و بر خلاف قوانین و آزادیهای معمرحه حتی در قانون اساسی ایران است .

دوستان بزرگوار بدین جهت است که کمیته مرکزی حزب توده ایران معمراته از شما و از تمام سازمانهای دمکراتیك و آزادیخواهی جهان تقاضا دارد با میهن پرستان و آزادیخواهان ایرانی همبستگی ابراز داشته علیه این رفتارضد دمکراتیك غیر انسانی حوادث ایران اعتراض نموده و برای آزادی دمکراتیك‌شدگان کرد و آذربایجانی و هم چنین کلیه زندانیان سیاسی ایرانی اقدام نمائند .

کمیته مرکزی حزب توده ایران

**این نامه برای بسیاری از احزاب و سازمانهای دموکراتیك بین المللی بوسیلهٔ دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ارسال گردیده است .**

کویت . . . معتقدند که کویت نیز مانند عربستان ، خواهان همکاری با ایران بخصوص در مسائل مربوط به منطقه خلیج فارس است . با این تفاوت که در کویت مشکلاتی هم در مسائل همکاری میانه ای وجود دارد که چنین مشکلاتی در عربستان نیست.»

این مشکلات را باید به نفوذ بیشتر نیرو های امپریالیستی عرب در کویت نسبت بعربستان سعودی مربوط دانست و پیش مخبر کیهان نشان میدهد که مذاکرات شاه ، امیر کویت از جهت کامیابی سیاسی در سطح مذاکرات شاه و فیصل نبوده است . مجله نیوز ویك در باره مذاکرات شاه و فیصل صریحاً چنین ارزیابی میکند : «بهره جهت این مهمترین‌خبری بود که ایالات متحده امریکا از خاور میانه دریافت داشته است .»

تصور میکنیم مسئله روشن باشد . فاکت ها بقدارو کافی گویاست .

امپریالیستها که در این اواخر را بفائده قرار دادن حوادث چکسلواکی گویی تجاوز کرانه خود را تشدید کرده اند ، در خاور میانه نیز صف بندی متقابلی را که سالیان دراز است در آرزوی آن هستند بوجود میآورند . شاه ایران ، ملک عربستان سعودی ، امیر کویت اختلافات را بین خود حل میکنند، و بهم نزدیك میشوند .

این نزدیکیها بسود انقلاب و دانشگاهی است و اگر در آن برای هیئت های حاکمه ارتجاعی این کشور ها نیز منافعی قائل گردیم ، بهر جهت هیچ مسئلهی آن تفاوت حوادث ارتجاعی در خاور میانه است. مثلا سیر زمانه در مصر ما در جهت دیگری است . ما قرار داد های روی کاغذ ، یا اجراء مراسم حج و عمره از طرف شاه ایران در مکه (!) ، با اعتقادهای متقابل تمائل آمیز در ریاض و کویت اولا نمیتوانست ماهیت واقعی این بند و بست ها را پوشانند . ثانیاً نمیتوان این کشتی شکسته را بر خلاف وزش مصر ما براه دوری برد .

ا. سپهر

## قابل توجه علاقمندان به «نشریات توده»

با تقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند ، بدینوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد . حتماً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند :

۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند .

۲) خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل‌ریالی بهای نشریات‌را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند .

۳) خوانندگان گرامی بابت نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمك کنند .

۴) رسید نشریات و مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند .

۵) کتب زیر تمام شده است از تقاضای سال آن خود داری فرمایند :

منتخبات لنین ، دولت و انقلاب ، لودویگ فویرباخ ، حق مالی در تعیین سرنوشت ، سخنرانی لنین در دومین کنگره کمونیستهای خاور زمین ،

| نام نشریه | بها |
|---|---|
| ماهنامه مردم | ۱۰ ریال |
| مجله دنیا | ۴۰ » |
| مجله مسائل بین المللی | ۲۰ » |
| مانیفست | ۴۰ » |
| سرمایه جزوه ۱ و ۲ و ۳ | ۴۰ » |
| انقلاب اکتبر و ایران | ۸۰ » |
| برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی | ۲۰ » |
| اصول فلسفه مارکسیسم | ۲۰ » |
| آخرین دفاع روزیه | ۲۰ » |
| پاره دانشهای فلسفی و اجتماعی | ۰ » |
| گئوسان | ۴۰ » |
| خان و دیگران | ۱۰ » |
| یادنامه شیدان | ۲۰ » |
| رزمیم نرود و اختناق | ۱۰ » |
| خیانت او یوطنش | ۲۰ » |
| توده ایها در دادگاه نظامی | ۲۰ » |

**Sweden**
**Stockholm,**
**Stockholms Sparbank**
شماره حساب بانکی
**C-1265-5**
**Dr. John Takman**

## تغییر آدرس رادیو پیك ایران

## هموطنان عزیز ! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم ( سوئد ) با رادیو پیك ایران ، «نامه‌نگاری مردم» مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید . نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید .

**P. B. 49034**
**10028 Stockholm 49**
**Sweden**